

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فر اشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش هفتاد و هفتم

۰۱ اپریل ۲۰۱۵

کوشش هانی که برای رفع عقب ماندگی کشاورزی به عمل آمد

یکی از مسائلی که همچنان بیش از همه، حزب را نگران می داشت مربوط به عقب ماندگی کشاورزی بود که مستقیماً مانع رشد سایر رشته های اقتصاد می گردید. اقداماتی که در سال ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ به عمل آمد با وجود اثرات مثبت خویش نتوانست کشاورزی را از عقب ماندگی بدر آورد. آهنگ توسعه کشاورزی هنوز کند بود و فاصله رشد آن با رشد صنایع روز به روز بیشتر می شد و این امر ارضاء مطالبات توده های زحمتکش را از حیث مواد کشاورزی و رفع نیازمندی های صنایع را از حیث مواد اولیه دشوار می ساخت. این که اعتبار کشاورزی فقط به میزان ۷۵ درصد مورد استفاده قرار می گرفت و نیز سطح قیمت کالاهای صنعتی به نسبت سطح قیمت کالاهای کشاورزی بالا بود موانع دیگری در این زمینه ایجاد می کرد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کار البانی که در اپریل ۱۹۵۱ تشکیل شد مسأله کندی رشد کشاورزی و مساعی لازم برای رفع عقب ماندگی کشاورزی را مورد بررسی قرار داد. ولی پلنوم به این مسأله فقط از یک زاویه نگریست و به این نتیجه خطا رسید که دیگر بهره برداری های کوچک دهقانی هیچ امکان ندارند محصولات کشاورزی خود را افزایش دهند. پلنوم با تکیه بر این درک صحیح که کنوپراسیون یگانه وسیله عمده رفع عقب ماندگی کشاورزی است تصمیم گرفت که به مقیاس وسیع به جمعی کردن کشاورزی دست بزند. ولی این تصمیم نابه هنگام بود و چون شرایط برای سازماندهی سوسیالیستی مجموعه کشاورزی هنوز وجود نداشت ممکن بود امر جمعی کردن کشاورزی را عملاً به خطر اندازد. حزب این تصمیم عجولانه را به موقع اصلاح کرد. پلنوم کمیته مرکزی که مجدداً در ماه مه تشکیل شد تأکید کرد که با توجه به شرایط مشخص کشور، وظیفه اساسی عبارت از آن نیست که جمعی کردن روستا ها گسترش یابد بلکه عبارت از آن است که کنوپراتیوهای کشاورزی موجود تقویت گردد و کلیه امکانات بهره برداری های کوچک برای افزایش تولید به کار انداخته شود.

حزب با ارزیابی صحیح کلیه شرایط، امکانات و وسائل موجود در آن دوره به این نتیجه رسید که بهترین راه برای پیش برد کشاورزی عبارتست از تقویت و تکمیل روابط اقتصادی میان شهر و روستا، تخفیف فاصله موجود میان سطح رشد صنایع و کشاورزی.

کمیته مرکزی چنین راهنمایی کرد: «نباید از نظر دور بداریم که اتحاد نزدیک شهر و روستا جز بر اساس اقتصادی نمی تواند استوار گردد... ما باید اقتصاد خویش را به طور موزون بر پاکنیم. اگر ما به ایجاد صنایع دلبسته ایم به کشاورزی نیز علاقه داریم و نباید از یاد ببریم که رشد صنایع وابسته به رشد کشاورزی است»^۱ در ۱۹۵۱ کمک به روستا افزایش یافت. اقداماتی به عمل آمد تا اشتباهاتی که در امر ثبت و طبقه بندی زمین ها روی داده بود رفع شود. از مقدار غلاتی که اجباراً می بایست تحویل داده شود ۲۵ درصد کاسته گشت و بهره برداری های کشاورزی انفرادی که در آمد سالیانه آنها کم بود از مالیات معاف شدند.

از آنجا که رابطه میان قیمت محصولات صنعتی و محصولات کشاورزی طوری بود که دهقانان را با افزایش تولید و معامله در بازار مقابل بر نمی انگیخت حزب دانست که باید قیمت محصولات صنعتی را پائین آورد. مجدداً در ۱۹۵۱ فرمان تقلیل قیمت محصولات صنعتی صادر گردید و این امر فاصله موجود میان قیمت محصولات صنعتی و محصولات کشاورزی را تا حدی کم کرد.

در عین حال به تقویت و توسعه بازرگانی دولتی و کنوپراتیوی و به ویژه بازرگانی کنوپراتیوی خرید و فروش مبادرت گردید و از این راه کمک شد با اینکه کنو پراتیو های مذکور به صورت ارگان های توده ئی نیرومند در آیند، روابط اقتصادی میان روستا و شهر نزدیک تر گردد و علاقه مندی به کشاورزی جمعی در دهقانان دمیده شود. اقدامات اقتصادی که به منظور رفع عقب ماندگی کشاورزی به عمل می آمد با کار وسیع سیاسی و سازمانی حزب همراه بود. کوشش شد که ترکیب اجتماعی و فعالیت سازمان های بنیادی حزب بهبود یابد. و همچنین به کار شوراهای توده ئی و سازمان های جوانان و زنان تحرک بیشتری داده شد.

۴- دومین کنگره حزب کار البانی.

وظائفی که می بایست برای تبدیل البانی به کشور کشاورزی - صنعتی انجام یابد

دومین کنگره حزب کار البانی از ۳۱ مارچ تا ۷ اپریل ۱۹۵۲ تشکیل شد. ۵۶۲ نفر با رأی قطعی و ۱۴۳ نفر با رأی مشورتی در این کنگره شرکت جستند که از طرف ۴۴۱۸ عضو و نامزد عضویت نمایندگی داشتند. تعداد اعضای حزب در موقع این کنگره اندکی کمتر از موقع نخستین کنگره بود، به ویژه از آن جهت که ۸ درصد از اعضای حزب در طی رسیدگی به اسناد حزبی اخراج شده بودند.

رهنمود های نخستین نقشه پنجساله

کنگره تشخیص داد که رشد اقتصادی و فرهنگی کشور بر طبق نقشه ای مدت دار تر کاملاً امکان پذیر است و رهنمود های نخستین نقشه پنجساله را برای سال های ۱۹۵۱-۱۹۵۵ تصویب کرد. این رهنمود ها پیش از آنکه به تصویب کنگره برسد در مدتی بیش از دوماه در سازمان های حزب و در اجتماعات عمومی زحمتکشان شهر و ده به بحث گذاشته شد. طی اجتماعات مذکور نظر ها و پیشنهاد های متعددی داده شد که بسیاری از آنها مورد توجه ارگان های صلاحیت دار قرار گرفت.

^۱ - قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی حزب کار البانی، ۲۱ سپتامبر ۱۹۵۱. اسناد عمده حزب کار البانی، جلد دوم صفحه ۱۱۰.

برنامه در درجه اول با تکیه بر نیروی خود کشور، منابع داخلی، تجارب به دست آمده و اندازه توانائی کادر های ملی تنظیم شده بود. برنامه بر کمک کشور های سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی نیز اتکاء داشت. هدف کمک اتحاد شوروی به جمهوری توده ئی البانی در آن روزگار عبارت بود از رشد نیرو های مولد کشور تا آنکه اقتصاد توده ئی بتواند با امکانات خود به پیش رود. حزب این کمک را به مثابه عامل مهمی در ساختمان سوسیالیسم در میهن ما به شمار می آورد.

نخستین وظیفه ای که نخستین برنامه مطرح کرد چنین بود: تسریع آهنگ ساختمان بنیاد اقتصادی سوسیالیسم و رشد نیروهای مولد، بدان منظور که البانی در پایان نقشه پنجساله از کشور کشاورزی عقب مانده به کشور کشاورزی صنعتی بدل شود، تقویت اتحاد طبقه کارگر با دهقانان زحمتکش و ارتقاء سطح زندگی مادی و فرهنگی توده های زحمتکش.

حزب مقرر داشت که حلقه اساسی اجرای این وظیفه عبارتست از ایجاد صنایع نوین سوسیالیستی. در واقع صنعتی کردن کشور با برنامه بزرگ و پردامنه ای برای ساختمان پایه های صنایع سوسیالیستی تنظیم گردید.

حزب، اصلی را که به موجب آن، تولید وسائل تولید نقش قطعی در رشد صنایع و مجموعه اقتصادی توده ئی دارد بدرستی ارزیابی کرد و طبق اصل مذکور اهمیت بسیار به رشد و ایجاد رشته های صنایع سنگین داد. ولی معذک رشد همزمان و متقارن کلیه رشته های این صنایع در برنامه پیش بینی نمی شد زیرا که کشور ما امکانات اقتصادی و فنی چنین امری را در اختیار نداشت. ماشین های لازم می بایست از طریق مبادلات بازرگانی و یا اعتبارات مورد توافق به وسیله کشور های سوسیالیستی تحویل داده شود. قرار شد در رشد آن رشته هائی از صنایع سنگین کوشش به عمل آید که منابع طبیعی لازم برای آنها در البانی وجود دارد و صاحب مزایای اقتصادی بیشتری هستند. در شرایط مشخص کشور ما صنایع سنگین می بایست به طور عمده شامل شود بر معادن، صنعت مکانیک، صنعت برق و صنعت مصالح ساختمانی به ویژه پیش بینی می شد که توسعه این رشته ها با آهنگ سریع تری صورت گیرد. در این میانه صنایع معدنی جای اول داشت زیرا که می بایست تکیه گاه عمده رشد سایر رشته های صنایع باشد و نیازمندی های صنایع تبدیلی را از حیث مواد اولیه بر آورده سازد. از طرف دیگر صدور محصولات معدنی می بایست ماشین های لازم را برای صنعت و کشتا ورزی تأمین کند.

صنعت برق می بایست در طی نقشه پنجساله با مراکز حرارتی و هیدرو الکتریک مجهز گردد که نیازمندی های صنایع و مجموعه اقتصاد توده ئی را بر آورده سازد.

از آنجائی که کشور نیاز بزرگ و میرم به مایحتاج مصرفی روزانه داشت و به منظور تقلیل واردات آنها، در نقشه پنجساله جای مهمی به رشد صنایع سبک و غذائی داده شد که به ویژه بر مواد اولیه خود کشور متکی باشد.

برای آن که رشد سریع تولید صنعتی آن طور که در نقشه پنجساله معین گشته بود تأمین شود سرمایه گذاری های پیش بینی شده سه برابر سال های ۱۹۴۶ - ۱۹۵۰ بود.

وظائفی که کنگره مقرر می داشت در صورتی می توانست به خوبی انجام گیرد که بر دو مانع غلبه شود: یکی کندی رشد کشاورزی که شاخه مسلط اقتصاد ملی بود و دیگر کمبود کادر های فنی و سطح نازل معلومات و آمادگی فنی کارگران توجه خاصی بر رفع این موانع معطوف گردید.

در عین حال که حجم کلی تولید صنعتی در ۱۹۵۰ چهار برابر سال ۱۹۳۸ بود تولید کشاورزی در همین دوره بیش از ۳۰۰ درصد افزایش نداشت.

کنگره چنین تصریح کرد: «توسعه سریع صنایع ... ایجاب می کند که کشاورزی با آهنگی سریعتر از آنچه تا امروز داشته است رشد یابد تا بتواند نیازمندی های صنایع را از حیث مواد اولیه و نیازمندی های دولت و اهالی را از حیث محصولات کشاورزی بر آورده سازد»^۲.

یگانه راه برای طرد قطعی عقب ماندگی کشاورزی عبارت بود از تحول سوسیالیستی روستا. ولی در شرایط مشخص آن موقع هنوز مبادرت به جمعی کردن وسیع کشاورزی میسر نبود زیرا که توده وسیع دهقانان هنوز کاملاً به برتری سیستم سوسیالیستی در کشاورزی معتقد نشده بود و پایه فنی و اقتصادی لازم برای این کار وجود نداشت. کنگره تأکید کرد که در چنین شرایطی به منظور تسریع پیشرفت کشاورزی باید به تقویت کنوپراتیو های کشاورزی دست زد ، باید بنگاه های کشاورز و دامداری را استحکام و توسعه بخشید. همچنین لازم بود که روابط اقتصادی میان شهر و روستا از راه های زیرین تحکیم شود: توسعه مراکز ماشین و تراکتور و مکانیزاسیون کشاورزی، کمک دولت به دهقانان زحمتکش به وسیله اعتبارات کشاورزی، رساندن مقادیر بیشتری از محصولات صنعتی به روستا، تعدیل هرچه صحیح تر رابطه میان قیمت محصولات صنعتی و محصولات کشاورزی.

طبق پیش بینی های نقشه پنجساله، افزایش تولید کشاورزی می بایست از طریق اعتلای بازدهی زمین های کشاورزی و توسعه سطح بذر افشانی تحقق یابد.

وظیفه اساسی که در کشاورزی معین شد عبارت بود از افزایش تولید غلاتی که از آنها نان به دست می آید. ویژگی دیگر رشد کشاورزی در طی پنجساله اول توسعه زمین هائی بود که برای کشت گیاهان صنعتی به کار می رفت، گیاهانی که نخستین لازمه رشد صنعت بودند. برای آن که تحقق وظائف در زمینه کشاورزی تأمین شود آن سرمایه گذاری که برای این دوره در نظر گرفته شد تقریباً دو برابر سال های ۱۹۴۶-۱۹۵۰ بود.

حل مسأله کادر های فنی و کارگران متخصص ایجاب می کرد که انقلاب فرهنگی بیش از پیش گسترش یابد و تسریع شود. در طی پنجساله اول می بایست شبکه آموزش توسعه بسیار یابد، تعداد کل شاگردان نسبت به سال ۱۹۳۸ ۳۷۰ برابر شود، تعداد آکونوم ها بیش از ۵ برابر و تعداد مهندسان ۱۸ برابر شود. همچنین می بایست بیش از ۸۵۰۰ تکنیسین متوسط و قریب ۵۴۰۰ کارگر متخصص پرورش یابند.

کنگره توجه حزب را به عقب ماندگی نواحی شمالی، از آنجمله ناحیه کوکس، تر بوزه، میردیتیه، پوکه و غیره معطوف داشت و توصیه کرد که درباره پیشرفت فرهنگی آنها مراقبت خاص به عمل آید. نقشه پنجساله بر انداختن بی سوادی را پیش بینی می کرد. افزایش محصولات صنعتی و کشاورزی می بایست در بهبود زندگی توده های زحمتکش مؤثر باشد و شرایط لازم برای الغای سیستم جیره بندی فراهم آورد.

سرمایه گذاری در عرصه فعالیت های اجتماعی و فرهنگی می بایست ۳ تا ۴ برابر دوران پنجساله ۱۹۴۶ - ۱۹۵۰ باشد.

نخستین نقشه پنجساله نشانه مرحله جدیدی در رشد سریع اقتصادی و فرهنگی کشور بود. تحقق این نقشه می بایست شرایط لازم برای حرکت به سوی مرحله قطعی ساختمان پایه اقتصادی سوسیالیسم فراهم آورد.

ادامه دارد...

^۲ - قطعنامه دومین کنگره حزب کار آلبانی ، ۲ آوریل ۱۹۵۲ . اسناد عمده حزب کار البانی ، جلد دوم صفحه ۱۴۹